



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام جواد علیہ السلام
غریب بغداد

محمد عابدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام جواد جواد علیه السلام غریب بغداد

نویسنده:

محمد عابدی

ناشر چاپی:

مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام جواد جواد علیه‌السلام غریب بغداد
۶ مشخصات کتاب
۶ سیمای جواد الائمه در یک نگاه
۶ رنجهای امام جواد
۶ اشاره
۷ شکستن حریم امامت
۷ تهمت مستی و ...
۷ توطئه قتل به اتهام خروج
۸ اخبار شهادت امام جواد
۸ چگونگی شهادت امام جواد
۸ اشاره
۸ روایت مسعودی
۹ روایت ابن شهر آشوب
۹ روایت عیاشی
۹ پاورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام جواد علیه السلام غریب بغداد

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۴۶۵۶۵

سرشناسه: عابدی، محمد

عنوان و نام پدیدآور: امام جواد علیه السلام غریب بغداد/ عابدی، محمد

ناشر: ، مبلغان، ش ۴۹، (ذیقعه ۱۴۲۴ ه. ق): ص ۴۱ - ۴۸.

توصیفگر: محمد بن علی (ع)، امام نهم

توصیفگر: امامت

توصیفگر: امامان

توصیفگر: شیعیان

سیمای جواد الائمه در یک نگاه

امام محمد بن علی (علیهما السلام) (جواد الائمه) نهمین امام از خاندان اهل بیت (علیهما السلام) است. القابی که برای آن امام برشمرده اند و هر یک گویای بعدی از شخصیت آسمانی حضرت است، عبارت اند از: «مختار، مرتضی، متوکل، متقی، زکی، تقی، منتجب، مرتضی، قانع، جواد، عالم ربانی، منتجب المرتضی و...» [۱]. ابن صباغ مالکی از القاب «جواد، قانع، مرتضی» یاد می کند و می گوید: مشهورترین لقب امام، «جواد» است. [۲] شیخ صدوق نیز می نویسد: به محمد بن علی الثانی، تقی گفته شد؛ چون از خدا تقوا پیشه کرد و زمانی که مأمون شبانه با حالتی مست وارد شد و او را با شمشیر زد و گمان کرد حضرت را کشته است، خداوند او را ننگه داشت. [۳]. کنیه های حضرت نیز عبارت اند از: ابو جعفر ثانی (کنیه جدش امام باقر (علیه السلام)) و ابو علی. [۴]. به نوشته ابن صباغ مالکی، چهره ای سفید و اندامی متوسط داشت [۵] و نقش انگشترش به نقل طبری «العزّه لله» مانند انگشتر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود. [۶]. مادر حضرت، سبیکه نوییه بود. [۷] به نقل شیخ مفید فرزندان حضرت «علی الهادی (علیه السلام)، موسی، فاطمه، امامه» بودند [۸] و طبرسی از دختران به «حکیمه، خدیجه، ام کلثوم» اشاره می کند و می گوید: برخی تنها از فاطمه و امامه یاد کرده اند. [۹]. شیخ طوسی روز دهم رجب را تولد وی می داند [۱۰] و به نقل طبرسی آن امام در عصر معتصم به شهادت رسید. [۱۱] در این هنگام، ۲۵ سال و ۲ ماه و ۱۸ روز از دوران حیات امام می گذشت. [۱۲]. مرحوم کلینی می نویسد: «محمد بن علی (علیهما السلام) در حالی که ۲۵ سال و سه ماه و دوازده روز از عمرش می گذشت، در روز سه شنبه، ۶ روز قبل از ذی حجه سال ۲۲۰ ه. ق شهید شد و بعد از پدر ده سال (منهای بیست روز) زندگی کرد.» [۱۳]. ایشان با محمد امین بن هارون تا سال ۱۹۸ ه. ق (قبل از امامت) معاصر بود. از آن پس با مأمون بن هارون (از ۱۹۸ تا ۲۱۸ قبل از امامت و ۲۱۸ تا ۲۰۳ در زمان امامت) هم عصر بود و سرانجام با معتصم عباسی از ۱۷ رجب یا شعبان ۲۱۸ ه. ق تا لحظه شهادت، ذی قعه ۲۲۰ ه. ق معاصر بود. اینک که در آستانه شهادت جانگداز آن امام بزرگ و غریب قرار گرفته ایم، به بازخوانی گوشه هایی از مظلومیتش در طول دوره امامت تا لحظه شهادت می پردازیم: [۱۴].

رنجهای امام جواد

امام جواد (علیه السلام) از همان آغاز امامت با سیل رنجها رویارو بود؛ مشکلاتی که گاه از سوی حاکمان، زمانی از طرف کارگزاران و منسوبین به طاغوتها و گاهی از سوی جاهلان، متعصبان، گروههای انحرافی و... ایجاد می شد. اینک نمونه هایی را مرور می کنیم:

شکستن حریم امامت

محمد بن ریان می گوید: مأمون به هر حيله ای متوسل می شد تا بر امام نفوذ کند، اما ممکن نمی شد، تا اینکه این فرصت هنگام ازدواج دخترش با امام به دست آمد. وقتی می خواست دخترش، ام فضل را به خانه زفاف امام جواد (علیه السلام) بفرستد، دویت دختر از زیباترین کنیزکان خود را طلبید و به هر یک جامی که داخل آن گوهری بود، داد تا وقتی در جایگاه نشست، از او استقبال کنند، اما حضرت به هیچ یک توجهی نکرد. در آنجا مردی بود که مخارق نامیده می شد و صاحب صدا و عود و ضرب بود و ریشی دراز داشت. مأمون او را طلبید. در گفتگوی مأمون و مخارق، مخارق گفت: اگر به چیزی از امور دنیا مشغول باشی، من برای مقصود شما کفایت می کنم. آن گاه رو به روی امام نشست، مانند الاغ عرعری کرد و وقتی توجه همه را جلب نمود، شروع به نواختن کرد. امام دقیقی بی توجهی کرد و ناگهان سر برداشت و فرمود: «اتقِ الله یا ذا العُتُونِ؛ ای ریش دراز از خدا پرهیز». مخارق چنان از فریاد امام وحشت کرد که ساز و عود از دستش افتاد و تا لحظه مرگ دستش فلج ماند. وقتی مأمون از دلیل آن حالت پرسید، گفت: از وقتی ابوجعفر بر سرم فریاد کشید، وحشتی مرا فرا گرفت که هرگز از جانم بیرون نمی رود. [۱۵].

تهمت مستی و...

فضای تنگ و خفقان آلود حاکم بر جامعه چنان امام و یارانش را در تنگنا قرار داده بود که گاه افراد وابسته به طاغوت به آن حضرت توهینهای سنگینی می کردند و امام تنها به شکوه به درگاه الهی بسنده می کرد. از جمله، عُمر از خاندان فرج که با چپاول و رشوه و دزدی ثروت زیادی فراهم آورده بود و در حکومت بنی عباس نفوذ داشت، مدتی فرماندار مدینه شد و در همان زمان نسبت به خاندان نبوت خشونت به خرج می داد و کار را به جایی رساند که به امام گفت: به گمانم تو مست هستی! امام جواد (علیه السلام) در مقابل این گستاخی تنها به درگاه الهی پناه برد و فرمود: «اللَّهُمَّ انْ كُنْتَ تَعْلَمُ انِّي امْسِيْتُ لَكَ صَائِمًا فَأَذِقْهُ طَعْمَ الْخَرْبِ وَ ذُلَّ الْأَسْرِ؛ خدایا! چنانچه تو می دانی امروز برای تو روزه بودم، پس طعم غارت شدن و خواری اسارت را به او بچشان». طولی نکشید که در سال ۲۳۳ هـ. ق متوکل بر او غضب کرد و دستور داد ۱۲۰ هزار دینار به عنوان مالیات و ۱۵۰ هزار دینار از برادرش بگیرند. او بار دیگر به عُمر غضب کرد و دستور داد هر چه می توانند بر گردنش ضربه بزنند و ۶ هزار ضربه زدند و بار سوم کشان کشان به بغداد بردند و همان جا در اسارت مرد. واقعه توهین به امام جواد (علیه السلام) چنان سنگین بود و دل امام هادی (علیه السلام) را به درد آورده بود که وقتی خبر مرگ عمر را آوردند، ۲۴ مرتبه «الحمد لله» گفت. [۱۶].

توطئه قتل به اتهام خروج

قطب راوندی از ابن ارومه چنین نقل می کند: معتصم تعدادی از وزرایش را فرا خواند و گفت: بر علیه محمد بن علی بن موسی (علیهما السلام) نزد من شهادت دروغ دهید و بنویسید که می خواهد خروج کند. آن گاه امام را خواست و گفت: تو علیه من توطئه کرده ای! امام فرمود: «والله ما فعلتُ شیئا من ذلک؛ به خدا سوگند! من چنین کاری نکرده ام». مأمون بر وجود شاهدان پای فشرد. امام هم دستش را بلند کرد و عرض کرد: «اللَّهُمَّ انْ كَانُوا كَذَبُوا عَلَيَّ فَخُذْهُمْ؛ خدایا اگر بر من دروغ بسته اند، آنها را بگیر». در آن

لحظه ایوان لرزید و هر یک از اطرافیان معتصم که بر می خاست، بر زمین می افتاد. معتصم عرض کرد: «یا ابن رسول الله! انی تائبٌ مما فعلتُ فادع ربک ان یسکینه؛ ای پسر رسول خدا! از آنچه کردم، توبه نمودم. از پروردگارت بخواه که آن را آرام سازد.» این بار امام دست بلند کرد و عرض کرد: «اللهم سکینه و انک تعلم انهم اعداؤک و اعدائی؛ خدایا! آرامش ساز و تو می دانی که آنها دشمنان تو و من هستند.» در پی این دعا آرامش به ایوان بازگشت. [۱۷]. به کاخ سلطنت گفتا خلیفه با وزیران کای ابا جعفر ترا قصد خروج و انقلاب آمد ز روی افترا، اورا قی آوردند کاینها را گرفتیم از غلامانت، چه نزدت گو جواب آمد بگفتا: بارالها! افترا بستند اگر بر من بگیر این دشمنان، کاین افترا حقی عقاب آمد که ناگه کاخ گشتی زیر و رو، کآن قوم افتادند خلیفه دید هر یک از خنازیر و کلاب آمد به پوزش معتصم بر دست و پا افتاد و تائب شد بگفت این کاخ ساکن کن، که سخت این اضطراب آمد بگفتا: بارالها! ساکن این قصر معلق کن که کاذب توبه کرد، از تو قبول مستتاب آمد [۱۸].

اخبار شهادت امام جواد

مسعودی می نویسد: وقتی ابوجعفر به دنیا آمد، ابوالحسن (امام رضا علیه السلام) به یارانش فرمود: «فی تلک اللیلۃ قد وُلِد لی شبیهه موسی بن عمران فالق البحار [و شبیهه عیسی بن مریم] قدست أم ولدته فلقد خلقت طاهره مطهره. [ثم قال] بابی و أمی شهید بیکی علیه اهل السماء یقتل غیظا و یغضب الله علی قاتله فلا یلبث الا یسیرا حتی یجعل الله به الی عذابه الالیم و عقابه الشدید؛ [۱۹] در این شب برای من فرزندی شبیه موسی بن عمران به دنیا آمد که شکافنده دریاهاست، [و شبیهه عیسی بن مریم] مادرش مقدس است و پاک و پاکیزه خلق شد. به جان پدر و مادرم شهیدی می شود که اهل آسمان بر او می گریند. از روی خشم کشته می شود و خدا بر قاتل او خشم می گیرد؛ پس [قاتل او] نمی ماند مگر اندکی تا اینکه خدا عذاب دردناک و عقاب شدید را به سوی او می فرستد.» امام جواد (علیه السلام) خود فرموده بود که «سی ماه بعد از مأمون اجل او فرا خواهد رسید.» [۲۰] و به گفته محمد بن الفرّج آن حضرت به او نوشته بود: «خمس را برایم بفرستید که بیشتر از امسال در بین شما نیستم.» [۲۱]. مرحوم کلینی نیز حکایتی دردناک از این آگاهی امام به شهادتش نقل می کند و به نقل از اسماعیل بن مهران می نویسد: وقتی ابوجعفر (علیه السلام) از مدینه به بغداد برای بار اول می خواست برود، گفتم: من بر شما می ترسم. با چهره ای گشاده، فرمود: غیبت من در این سال نیست. وقتی بار دوم به سوی معتصم می رفت، گفتم: شما می روید، بعد از شما امامت با کیست؟ حضرت جواد (علیه السلام) چنان گریست که محاسنش خیس شد و فرمود: «بعد از من امر امامت مربوط به فرزندم علی (علیه السلام) است.» [۲۲].

چگونگی شهادت امام جواد

اشاره

سابقه خباثت و دشمنی معتصم، خلیفه عباسی، نشان می دهد که دستور قتل توسط وی صادر شده است؛ هر چند عاملان مستقیم آن به نقلهای مختلف، افراد مختلفی باشند و یا هر یک از آنها به عنوان تکمیل کننده پرونده شهادت حضرت عمل کرده باشند. این موضوع به قدری روشن بود که مسعودی می نویسد: «فلما انصرف الی العراق لم یزل المعتصم و جعفر بن المأمون یدبرون و یعملون الحیلۃ فی قتله؛ [۲۳] وقتی امام جواد (علیه السلام) [از مکه با همسرش] به عراق بازگشت، معتصم و جعفر بن مأمون دائما در تدبیر و دست به کار چاره ای برای قتل او بودند.» روایتهای مختلفی که به دست آمده، چنین است:

روایت مسعودی

روایت فوق عامل اصلی قتل را خلیفه عباسی معرفی می‌کند، مسعودی در ادامه می‌نویسد: جعفر بن مأمون که از کینه‌ی ام فضل نسبت به امام (به دلیل برتری ام ابی‌الحسن نزد امام) خیر داشت و می‌دانست که ام فضل از او صاحب فرزند نشده است، در انگور رازقی سم ریخت و ام فضل با تعریف و تمجید آن را به امام داد و حضرت خورد. در این هنگام پشیمان شد و گریست. امام فرمود: گریه ات برای چیست؟ به خدا قسم خدا به فقری گرفتارت کند که نجات نیابی و به بلایی که پوشانده نشود.» [۲۴].

روایت ابن شهر آشوب

معتصم به عبدالملک زیات، وزیر خود در مدینه، نوشت که امام و ام فضل را راهی بغداد کند. او هم علی بن یقظین را مطلع کرد و امام راهی شد. معتصم حضرت را گرمی داشت و شناس (فرمانده ارتشی) را با هدایایی به استقبال فرستاد. همراه آنها شربت ترش مزه (ریواس) آلوده به زهر را هم داد و گفت: این شربت را با یخ خنک کرده ایم و امیرالمؤمنین، احمد بن ابی دؤاد، سعد بن خصیب و جماعتی از بزرگان هم نوشیده‌اند و خلیفه دستور داده تا خنک است شما هم بنوشید. امام فرمود: شب می‌نوشم. گفت: آن وقت برفش آب می‌شود. وی آن قدر اصرار کرد که امام آن را نوشید. [۲۵].

روایت عیاشی

زرقان دوست صمیمی ابن ابی دؤاد، بعد از نقل ماجرای قضاوت فقهاء و امام در مورد قطع دست دزد که به رسوایی قاضیان و سربلندی امام انجامید، می‌گوید: سه روز بعد، ابی دؤاد نزد خلیفه رفت و گفت: حق امیرالمؤمنین به گردن من باشد، خیرخواهی در بقاء حکومت و شما بر من واجب است و از این حق روی بر نمی‌گردانم، هرچند مرا در آتش بسوزانند. او گفت: آن چیست؟ ابن ابی فضای تنگ و خفقان آلود حاکم بر جامعه چنان امام و یارانش را در تنگنا قرار داده بود که گاه افراد وابسته به طاغوت به آن حضرت توهینهای سنگینی می‌کردند و امام تنها به شکوه به درگاه الهی بسنده می‌کرد. دؤاد گفت: وقتی امیرمؤمنان در مجلس فقهاء رعیتش را جمع می‌کند تا درباره مسئله‌ای حکم دهند، آن گاه آنان حکم را براساس آنچه نزدشان ثابت است، اعلام می‌دارند و این در حالی است که وزیران و حاجبان و خانواده خلیفه در مجلس حضور دارند و مردم عوامی که در پشت درها هستند، مطالب را می‌شنوند، آن گاه امیر از گفته‌ی فقهاء دربار روی بر می‌تابد و به گفته‌ی مردی عمل می‌کند که بیشتر این امت به امامتش معتقدند و او را سزاوارتر از خلیفه می‌دانند، با همه اینها، امیرمؤمنان چگونه می‌تواند از عدم اطاعت مردم و شکست حکومت عباسیان آسوده خاطر باشد؟ رنگ از چهره معتصم پرید و گفت: «جزاک الله عن نصیحتک خیرا». معتصم روز چهارم به یکی از وزیران دستور داد حضرت را دعوت و مسموم کند و اگر قبول نکرد، بگوید: مجلس خصوصی است. وزیر چنان کرد و امام چون لقمه اول را در دهان گذاشت و احساس مسمومیت کرد، دستور داد مرکبش را برای رفتن آماده کنند و در مقابل اصرار میزبان فرمود: خروج من از خانه به نفع توست. امام آن روز و شب را در اثر مسمومیت در بستر افتاد و سرانجام به شهادت رسید.» [۲۶].

باورقی

[۱] ر.ک: دلائل الامامة طبری، ص ۳۹۶؛ الارشاد، ص ۳۲۷؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۱؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.

[۲] فصول المهمة، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.

[۳] معانی الاخبار، ص ۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶.

[۴] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳؛ دلائل الامامة، ص ۳۹۶.

[۵] فصول المهمه، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۵.

[۶] دلائل الامامة، ص ۳۹۷.

[۷] برخی هم خیزران یا بانویی از اهل بیت ماریه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، ریحانه و کنیه اش ام الحسن، سکینه، دره و اهل مریسه دانسته اند؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ارشاد مفید، ص ۲۹۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۷۹.

[۸] ارشاد مفید، ص ۳۲۷.

[۹] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳.]

[۱۰] مصباح المتعجد، ص ۸۰۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷.

[۱۱] ارشاد، ص ۳۱۹؛ درباره اقوال دیگر، ر.ک: دلائل الامامه، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷.

[۱۲] کافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ درباره اقوال دیگر، ر.ک: همان ج ۱، ص ۴۹۷.

[۱۳] کافی، ج ۱، ص ۴۹۷.

[۱۴] درباره امام جواد (علیه السلام) به مقالاتی که پیرامون این شخصیت آسمانی در ماهنامه مبلغان نگاشته شده رجوع کنید، این مقالات عبارت اند از: «نگاهی به سیره تبلیغی امام جواد (علیه السلام)» ش ۲، محمد حاج اسماعیلی؛ «امامت جواد الائمه (علیه السلام) با نگرشی بر مسئله امامت و بلوغ جسمی» ش ۹، محمد عابدی؛ «مناظره ای از امام جواد (علیه السلام)» ش ۳۳، سید جواد حسینی؛ «ماجرای شهادت امام محمد تقی (علیه السلام)» ش ۳۷، سید مجتبی اهری؛ «امام جواد (علیه السلام) پاسدار حریم وحی» ش ۴۵، عبدالکریم پاک نیا.

[۱۵] کافی، ج ۱، ص ۴۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۹۶.

[۱۶] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۲ و ۲۲۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹۶.

[۱۷] الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۴۵؛ اثبات الهداء، ج ۶، ص ۱۸۷.

[۱۸] دیوان الادب، علامه محمد صالح حائری مازندرانی، ص ۲۸۲.

[۱۹] اثبات الوصیة، ص ۲۱۰؛ عیون المعجزات، ص ۱۱۸ (با اختلاف).

[۲۰] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۴.

[۲۱] اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۳.

[۲۲] کافی، ج ۱، ص ۳۲۳.

[۲۳] اثبات الوصیة، ص ۲۱۹ - ۲۲۰؛ عیون المعجزات، ص ۱۲۹ (با اختلاف).

[۲۴] اثبات الوصیة، ص ۲۱۹؛ عیون المعجزات، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۶.

[۲۵] مناقب، ج ۴، ص ۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸.

[۲۶] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۰؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت‌های خدای متعال،
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

